



مکاسب محرمة / حفظ کتب ضلال

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بر حرمت حفظ کتب ضلال ادله‌ای اقامه شده است که اولین دلیل، آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» لقمان ۶ بود که آیه شریفه به دلیل وعده عذابی که بر اشترا لهو حدیث داده است و همچنین سیاق و لحن آن دلالت بر حرمت می‌کرد.

احتمالات در معنای اشترا

در اینکه مراد از اشترا در آیه چیست دو وجه و احتمال ذکر شده است.

احتمال اول خرید و فروش عرفی

شراء و اشتراء به معنا و مفهوم اولی خود یعنی دادوستد و بیع به معنای متعارف که مقابله عین به مال است می‌باشد و این معنی در قرآن هم بکار رفته است. «وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ» یوسف / ۲۰

احتمال دوم دادوستد معنوی

تعمیم دادن معنا و مفهوم اولی شرا-داد و ستد کالا به کالا یا پول نقد- به مواردی که یک نوع تبدیل و جابه‌جایی و معاوضه وجود دارد اما نمی‌توان نام آن را خرید و فروش متعارف گذاشت. این همان تعمیمی است که در قرآن به وضوح مشهود است مانند آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۱۰) تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» صف / ۱۰ و ۱۱ که در حقیقت در مقابل ایمان به خدا و جهاد در راه او، خداوند نجات و رستگاری را به مؤمنین عطا می‌کند در این موارد هر چند خرید و فروش متعارف صدق نمی‌کند اما یک نوع دادوستد واقع شده است که در مقابل کاری و عملی که بنده انجام می‌دهد



خداوند پاداشی به او می‌دهد گویی انسان باخدای خود معامله‌ای انجام می‌دهد در حقیقت اشتراء به معنای اوسع از معنای اول می‌باشد که مقصود معامله معنوی و تعامل معنوی است و در قرآن هم نوع سودآور معنوی آن اشاره شده است هم به نوع زیان‌آور آن اشاره شده است «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ» بقره ۱۶ که طبق آنچه در این آیه به آن اشاره می‌کند هدایت را می‌دهند و ضلالت را می‌گیرند. و مراد مرحوم ایروانی که معنای بیشتری در آیه را تعاطی می‌داند همین وجه است.

معانی محتمل در کلمه لهو در آیه و ارتباط آن با بیشتری

در این آیه شریفه کلمه لهو به چه معنا است دو احتمال متصور است

۱. احتمال اول اینکه مقصود و مراد از لهو، عمل و فعل لهوی است

۲. احتمال دوم این است که مقصود از لهو، آلات لهو باشد

این بیشتری با این لهو و دو احتمال ارتباط دارد

اگر بیشتری به معنای حقیقی و متعارف خود یعنی خرید و فروش باشد، لهو در آیه به معنای آلات لهو و یا استیجار شخص برای عمل لهو می‌باشد و اگر مراد از بیشتری معنا و احتمال دوم باشد مراد از لهو فعل و عمل لهو می‌باشد.

تقریب احتمال اول در معنای کلمه بیشتری در آیه

در تقریب احتمال اول دو مطلب بیان شده است

۱. اصالة الحقیقه و اینکه معنای حقیقی اشتراء همان دادوستد متعارف است. معنای آیه این گونه می‌شود کسانی

که آلات لهو بخرند یا اینکه کسی را برای عمل لهو استیجار کند تا مردم را گمراه کند.

۲. شأن نزولی که برای آیه ذکر شده این احتمال را می‌رساند طبق آنچه در کتب روایی تفسیری بیان شده است

نذر بن حارث در مقابل پیامبر که داستان‌هایی از قوم عاد و ثمود ذکر می‌کردند، برای گمراهی مردم کتب و

داستان‌هایی را از اقوام دیگر جمع‌آوری و خریداری می‌کرد و آن‌ها را بیان می‌کرد.

تقریب احتمال دوم در معنای کلمه بیشتری در آیه

چند شاهد بد اینکه مراد از بیشتری احتمال دوم است وجود دارد



۱. یکی از شواهد و قرائنی که دلالت بر معنا و احتمال دوم در کلمه یشتی می‌کند کثرت استعمال تجارت و شراء در معنا و احتمال دوم در قرآن - که به دو آیه از موارد کاربرد شراء و تجارت اشاره شد - می‌باشد تا جایی که استعمال آن در معنای دوم بیش از معنای حقیقی آن می‌باشد و در حدی هم هست که گویا یک معنای دیگر است نه این که مجاز است که به دو اشتراء به معنای تجارة تنجیکم من عذاب الله این معنی در قرآن تداول و رواج دارد و استعمالش بیش از حد حقیقی اولیه است که در این گونه موارد که کثرت استعمال در غیر معنای حقیقی وجود دارد تمسک به اصالة الحقیقه جای بحث و اشکال دارد.
۲. شاهد دوم بر اینکه مراد احتمال و معنای دوم مراد است این است که در صورت حمل اشتراء بر معنی اول باید لهو را بر غیر معنای حقیقی آن - که به معنای مصدری است - حمل نمود یعنی موجب می‌شود که لهو را به معنای آلات لهو بگیریم یا اینکه اگر در معنای حقیقی لهو تصرفی نکنیم باید در معنای اشترا تصرف کرده و آن را تعمیم داد و به معنای استیجار گرفت که این هم مجاز و خلاف ظهور آیه است.

نظر استاد: ترجیح احتمال دوم

- در مجموع و به دلایل زیر احتمال دوم را بر احتمال اول ترجیح دارد
۱. شأن نزولی که در ذیل آیه بیان شده اعتبار سندی ندارد و اگر هم اعتبار داشته باشد این مطلب را که مراد از یشتی خرید و فروش متعارف است، نمی‌رساند بلکه حداکثر آنچه که شأن نزول می‌رساند ارتکاب به لهو به معنی بیان داستان‌های گمراه کننده است و این الزاماً قرینه بر احتمال اول نمی‌شود
 ۲. اگر قائل به احتمال اول شویم مستلزم مجاز و خلاف ظهور در آیه می‌باشد در حالی این محذور در احتمال دوم به خاطر کثرت استعمال اشترا در قرآن در معنا و احتمال دوم، وجود ندارد
 ۳. سوم این که در روایات یشتی لهو الحدیث بر عمل غنا تطبیق داده شده نه بر آلات لهو، که تأییدی بر این مطلب است.

عدم موضوعیت اشترا در آیه

اصل در عناوین وارده در آیات و روایات، موضوعیت و نفسیت آن عناوین می‌باشد مگر اینکه دلیلی بر عدم موضوعیت باشد در آیه مورد بحث هم اصل در موضوعیت اشتراء لهو حدیث در حکم می‌باشد یعنی هر کجا اشتراء لهو نبود



حرمتی هم نیست و فرقی ندارد که مراد از اشترا احتمال اول باشد یا مراد احتمال دوم باشد اما در این آیه قرینه‌ای وجود دارد بر اینکه اشتراء لهو موضوعیتی ندارد و آن لام غایتی است که در ادامه آیه «لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» آمده است ظاهر این است که عتاب و خطاب متوجه لیضِلَّ است و این اشتراء در حقیقت چون در مسیر اضلال و مقدمیت برای اضلال است به آن اشاره شده است. با توجه به این مطلب بحث از اینکه اگر مراد از اشترا احتمال اول باشد آیا می‌توان از اشترا الغاء خصوصیت کرد، بی‌فایده است